

ورود بیل کلینتون به کاخ سفید به یک دوره ۱۲ ساله حکومت جمهوریخواهان در آمریکا خاتمه داد. کلینتون با شعار "تغییر" انتخاب شد. اقشار میانی و کم در آمد، زنان و اقشار مورد تبعیض، و همه کسانی که در طول بیش از یک دهه قربانی سیاستهای اقتصادی و تعرض فرهنگی و اخلاقی جناح راست بودند، بیشک تغییر میخواستند و پشت کلینتون بسیج شدند. اما اینها تنها طرفداران کلینتون نیستند. بخش وسیعی از بورژوازی بزرگ و طبقه حاکمه آمریکا در حزب دموکرات و بیل کلینتون جریان را میبیند که میتواند اولاً، خلاء سیاسی ناشی از بی برنامهگی و بی افقی جمهوریخواهان پس از پایان جنگ سرد را پر کنند و ثانیاً، سیاستهای عسرت اقتصادی مطلوب سرمایه داران آمریکایی را با سهولت بیشتر به خورد مردم بدهد. تا هم اکنون "خوشبینی و امید به تغییر" نخستین ترجمه عملی خود را در ایده "آمادگی برای فداکاری جمعی" بازیافته است.

اینکه کلینتون و ابوابجمعی او "تغییر" را چگونه تفسیر خواهند کرد نه مورد تردید است و نه نیازی به حدس و گمان دارد. مساله اساسی اینست که بورژوازی آمریکا و ریاست جمهور جدیدش تا چه حد خواهند توانست موجی را که تفسیر رادیکال و حق طلبانه مردم از این شعار براه انداخته است در هم بشکنند.

سومالی یک نمونه مجسم دور باطل فقر و عقب ماندگی است که آرایش جهانی سرمایه داری امروز و بن بست خط مشی های رنگارنگ توسعه اقتصادی تعداد کثیری از کشورهای جهان را به دست و پا زدن در آن محکوم کرده است. زیاده باره، جنگ داخلی، دیکتاتورها، ایلخان ها و گانگسترهای صحرایی ای که با سلاحهای اهدایی قدرتها مردم را میکشند و نانشان را تاراج میکنند، اینها چاشنی و رنگ و لعاب مساله اند.

در این شک نیست که باید فکری بحال فاجعه گرسنگی و مرگ توده ای در سومالی میشد. در این شک نیست که باید علیه دار و دسته های مسلح که حتی راه کمکهای انسانی را سد کرده بودند زور بکار برده میشد. کوبیده شدن میخ دخالتگری نظامی آمریکا در این ماجرا، اما، بهایی است که بشریت ترقیخواه، و قبل از همه طبقه کارگر، برای ناتوانی شان در انجام اقدامی نجات بخش برای مردم سومالی می پردازند.

انگیزه های دولت آمریکا نه انسانی و نه رهایی بخش است، بلکه سرپا امپریالیستی و تجاوز طلبانه است. تحریم اقتصادی کوبا در یک قدمی آمریکا، اقتصاد مردمی را در ظرف یک نسل بیسوادی را از میان خود برچیده اند به تلاشی تهدید میکنند. همقطاران و نسخه های مشابه ایلخانهای سومالی در اقصی نقاط جهان سران دولتی و جوجه دیکتاتورهای مورد حمایت آمریکا و طرف معاملات آنها. ماجرای سومالی کمک کرد تا آمریکا بار دیگر مکان دخالت نظامی در صحنه سیاست بین المللی را تاکید کند. مادام که چنین نقشی برای اسلحه و دخالت نظامی در صحنه جهان برسمیت شناخته شود، آمریکا میتواند علیرغم افول اقتصادیش به نفوذ ویژه خود در سیاست بین المللی مطمئن باشد.